

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ



# حقوق قراردادهای بینالمللی نفت

دکتر مسعود امانی

استادیار دانشگاه امام صادق (ع)

با دبیرچه دکتر محسن اسماعیلی

انتشارات دانشگاه امام صادق (ع)  
تهران: بزرگراه شهید چمران،  
پل مدیریت  
تلفکس: ۸۸۳۷۰ ۱۴۲؛  
۱۴۶۵۵-۱۵۹؛  
E-mail: [isu.press@yahoo.com](mailto:isu.press@yahoo.com)  
فروشگاه اینترنتی:  
[www.ketabesadiq.ir](http://www.ketabesadiq.ir)



حقوق قراردادهای بین‌المللی نفت ■ مؤلف: دکتر مسعود اماني ■ با دیباچه: دکتر محسن اسماعیلی  
ناشر: دانشگاه امام صادق (ع) ■ چاپ اول: ۱۳۸۹ ■ چاپ دوم: ۱۳۹۳ ■ ویراستار ادبی: محسن آقاسی  
قیمت: ۱۳۵۰۰ ریال ■ شماره کان: ۵۰۰ ■ فروشنده: زلال کوثر ■ شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۱۴-۰۹-۸  
همه حقوق محفوظ و منعکس به ناشر است.

سرشاسه: امانی، مسعود - ۱۳۵۷  
عنوان و نام پندیداور: حقوق قراردادهای بین‌المللی نفت / مسعود اماني؛ با دیباچه محسن اسماعیلی.  
مشخصات نشر: تهران: دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۸۹.  
مشخصات ظاهری: ج، ۲۳، ص ۲۰۲.  
فروست: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).  
شبک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۱۴-۰۹-۸.  
وضعیت فهرست نویسی: فارسی.  
پادداشت: پیش جلد به انگلیسی:  
Masoud Amani. International petroleum...  
پادداشت: تئانه: ص. ۲۶۳ - ۲۵۵.  
پادداشت: نهایه.  
موضوع: نفت -- ایران -- صنعت و تجارت -- قراردادها  
شناسه افزوده: دانشگاه امام صادق (ع)  
ردی بندی کنگره: ۱۳۸۹: ۹۲ ۹۵۷ الف / ۷۷ الف ۹۵۷ HD  
ردی بندی دیوبی: ۳۷۲۸۲-۹۵۵۳۳۸  
شماره کتابخانه ملی: ۳۴۸-۱۲

## رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا وَعَمَلًا وَرَكِّعَةً وَالْحَقْنَى بِالصَّالِحِينَ

من چنین که نمودم دگر ایشان دانند در نظر بازی ما بی خبران حیرانند  
عشق داند که در این دایره سرگردانند عاقلان نقطه پرگار وجودند ولی  
ماه و خورشید همین آینه می گردانند جلوگاه رخ او دیده من تنها نیست  
ما همه بند و این قوم خداوندانند عهد ما با لب شیرین دهنان بست خدا  
آه اگر خرقه پشمین به گرو نستانند مفلسانیم و هوای می و مطرب داریم  
که در آن آینه صاحب نظران حیرانند وصل خورشید به شب پره اعمی نرسد  
عشقبازان چنین مستحق هجرانند لاف عشق و گله از یار زهی لاف دروغ  
ورنه مستوری و مستی همه کس نتوانند مگرم چشم سیاه تو بیاموزد کار  
عقل و جان گوهر هستی به نثار افشارند گر به نزهتگه ارواح برد بوی تو باد  
دیو بگریزد از آن قوم که قرآن خوانند زاهد ار رنای حافظ نکند فهم چه شاد  
بعد از این خرقه صوفی به گرو نستانند گر شوند آگه از اندیشه ما مع بچگان

حافظ



هر شکر از آن خداست و هر گیکی که از بندهای سرزنش از لطف اوست. مشکر از بندگان ذکر لطف اوست.

من لم یشکر المخلوق لم یشکر الْحَالِق

بر خود فرض می‌دانم تا از تمامی عزیزانی که در بهتر رسیدن این کتاب مریاری نموده‌اند مشکر و قدردانی نمایم، و پیره استاید

گرامی جناب دکتر حسن اسماعیلی و دکتر مسعود دخشنان که از نظرات ارزشمندانش در طول بخارش پایان نامه دوره دکتری

که سند بنای این کتاب بود بسیار سود جنتم و چشمین از بهتر ای جناب آفای دکتر ریحا اسکنی که به عنوان استاد مشاور در

بهوار کردن مسیر دثار تحصیل مریاری نمود و بیش از همه از رحالت پرور مادرم در طول مد تحصیل.

## فهرست اجمالی

سخن ناشر.....	۱
بخش نخست: تاریخچه و مبانی قراردادهای بین‌المللی نفت در بخش بالا دستی .....	۱۳
فصل اول: تاریخچه قراردادهای بین‌المللی نفت در بخش بالا دستی .....	۱۵
فصل دوم: نظامهای حقوقی مالکیت نفت و گاز .....	۳۳
<b>بخش دوم: ساز و کار و ماهیت قراردادهای بین‌المللی نفت.....</b>	<b>۷۳</b>
فصل سوم: تعریف و سازوکار قراردادهای بین‌المللی نفت.....	۷۵
فصل چهارم: تحلیل ماهیت حقوقی قراردادهای بین‌المللی نفت از منظر حقوق خصوصی .....	۱۲۱
<b>بخش سوم : آثار قراردادهای بین‌المللی نفت.....</b>	<b>۱۵۹</b>
فصل پنجم: اصل لزوم قراردادها و استثناءات آن در قراردادهای نفتی .....	۱۶۳
فصل ششم: تفسیر قراردادهای بین‌المللی نفت .....	۱۷۷
فصل هفتم: تغییر قرارداد .....	۲۰۳
<b>نتیجه گیری.....</b>	<b>۲۴۹</b>
فهرست منابع.....	۲۵۵
نمایه فارسی .....	۲۶۵
نمایه انگلیسی .....	۲۸۱

## فهرست تفصیلی

۱	سخن ناشر.....
۳	دیباچه .....
۷	مقدمه.....
۱۲	بخش نخست: تاریخچه و مبانی قراردادهای بین‌المللی نفت در بخش بالا دستی .....
۱۳	مقدمه.....
۱۵	فصل اول: تاریخچه قراردادهای بین‌المللی نفت در بخش بالا دستی .....
۱۵	۱. دوره حق الامتیازها.....
۱۹	۱-۱. تغییر در شرایط قراردادهای امتیازی.....
۲۲	۱-۲. تغییر مفاد قراردادها.....
۲۴	۲. شیوع قراردادهای مشارکت در تولید .....
۲۷	۳. قراردادهای پیمانکاری صنعت نفت .....
۳۰	یادداشت ها.....
۳۱	پی نوشت ها .....
۳۳	فصل دوم: نظامهای حقوقی مالکیت نفت و گاز .....
۳۳	۱. نظام مالکیت خصوصی نفت .....
۳۷	۲. نظام حقوق حاکمیتی .....
۳۸	۳. نظام تخصیصی در استفاده از منابع معدنی .....
۳۹	۴. نظام حقوقی فقه شیعه در مالکیت منابع معدنی و نفت .....
۴۰	۴-۱. تعریف معدن .....
۴۰	۴-۱-۱. معنای لغوی معدن.....

## ب □ حقوق قراردادهای بین‌المللی نفت

۴۱	۲-۱-۴. تعریف فقهی معدن.....
۴۱	۲-۴. تفکیک بین معادن ظاهری و باطنی.....
۴۲	۳-۴. تبیین ماهیت باطنی یا ظاهری مخازن نفتی .....
۴۴	۴-۴. نظام حقوقی مالکیت معادن در فقه .....
۴۴	۴-۴-۴. ورود معادن در رژیم انفال .....
۴۴	اول. مالکیت معادن ظاهری .....
۴۶	الف. میزان مجاز استفاده از معادن ظاهری .....
۵۱	۲-۴-۴. دخول معدن تحت عنوان مشترکات عامه .....
۵۳	۳-۴-۴. تبعیت معدن از مالکیت زمین .....
۵۵	۴-۴. اقطاع معادن باطنی .....
۵۷	۴-۶. آثار و احکام اقطاع.....
۵۸	۵. نظام حقوقی مالکیت نفت در حقوق ایران .....
۶۱	۶. نظام مالکیت و حاکمیت بر نفت در بیانیه‌های سازمان ملل(اصل حاکمیت ملت‌ها بر منابع طبیعی).....
۶۱	۶-۱. اصل حاکمیت ملت‌ها بر منابع طبیعی .....
۶۴	۶-۲. قلمرو اصل حاکمیت ملت‌ها بر منابع طبیعی .....
۶۵	۶-۳. آثار اصل حاکمیت بر منابع طبیعی .....
۶۷	نتیجه بخش نخست .....
۶۸	یادداشت‌ها .....
۷۰	پی نوشت‌ها .....
۷۳	بخش دوم؛ ساز و کار و ماهیت قراردادهای بین‌المللی نفت .....
۷۳	مقدمه .....
۷۵	فصل سوم؛ تعریف و ساز و کار قراردادهای بین‌المللی نفت .....
۷۶	۱. نظام امتیازی .....
۷۷	۱-۱. تعریف امتیاز .....
۷۸	۱-۲-۱. قراردادهای سنتی امتیازی خاورمیانه .....
۷۹	۱-۲-۱. مالکیت نفت .....
۸۰	۱-۲-۱. محدوده جغرافیایی امتیاز .....

## فهرست تفصیلی □ ج

۸۰	۳-۲-۱. مدت امتیاز
۸۱	۴-۲-۱. شروط و الزامات مربوط به عملیات اکتشاف
۸۱	۵-۲-۱. طریقه فعالیت
۸۲	۶. حقوق تبعی
۸۲	اول. ساختار قراردادهای امتیازی سنتی
۸۳	دوم. بررسی مختصر قراردادهای سنتی امتیاز
۸۴	سوم. بررسی امکان تطبیق حقوقی قراردادهای امتیازی سنتی با حقوق اسلام
۸۵	۱-۳. نظام مدرن امتیازی
۸۶	۱-۳-۱. تعریف قراردادهای مدرن امتیازی
۸۶	اول. شرایط و مقررات قراردادهای مدرن امتیازی
۸۷	الف. اعطای امتیاز
۸۷	ب. مالکیت نفت
۸۷	ج. طرفین قرارداد
۸۸	د. گزارش پیشرفت فعالیتها و برنامه‌های تولید
۸۹	ه. تعهد به تولید
۹۰	و. انصراف
۹۰	دوم. نظام مالی قراردادهای مدرن امتیازی
۹۰	الف. پاداش امضای قرارداد
۹۰	ب. پاداش سالانه
۹۱	ج. سود سالیانه
۹۱	د. بهره مالکانه
۹۲	ه. مالیات بر درآمد
۹۲	و. ما به ازای ویژه سود
۹۲	ز. مشارکت دولتی
۹۳	۴-۲. تحلیل ماهیت قراردادهای امتیازی
۹۴	۱-۴-۱. دلایل قائلین به ماهیت قراردادی امتیاز
۹۵	اول. تغییرات یک طرفه قراردادهای امتیاز

## د □ حقوق قراردادهای بین‌المللی نفت

۱-۴-۱. دلایل قایلین به ماهیت قانونی امتیاز ..... ۹۷
۱-۴-۲. اهمیت عملی تفکیک ..... ۹۹
۱-۴-۳. اصل تفوق قوه قانون‌گذاری بر قراردادها ..... ۹۹
۱-۴-۴. رویه دادگاه‌ها در برخورد با امتیاز ..... ۱۰۰
۱-۴-۵. جبران خسارات دارنده امتیاز در اثر اعمال یک طرفه تغییرات توسط دولت ..... ۱۰۱
۱-۴-۶. قراردادهای مشارکت در تولید ..... ۱۰۲
۱-۴-۷. تعریف قرارداد مشارکت در تولید ..... ۱۰۲
۱-۴-۸. تحولات تاریخی قراردادهای مشارکت در تولید ..... ۱۰۴
۱-۴-۹. نسل اول قراردادهای مشارکت در تولید اندونزی (از سال ۱۹۶۰-۱۹۷۵) ..... ۱۰۴
۱-۴-۱۰. نسل دوم قراردادهای مشارکت در تولید اندونزی (۱۹۷۶-۱۹۸۸) ..... ۱۰۵
۱-۴-۱۱. نسل سوم قراردادهای مشارکت در تولید اندونزی (۱۹۸۸ به بعد) ..... ۱۰۵
۱-۴-۱۲. تحلیل حقوقی قراردادهای مشارکت در تولید ..... ۱۰۶
۱-۴-۱۳. قراردادهای خدمت ..... ۱۰۸
۱-۴-۱۴. سابقه قراردادهای خدمت در صنعت نفت ..... ۱۰۸
۱-۴-۱۵. تعریف قراردادهای خدمت ..... ۱۰۹
۱-۴-۱۶. عناصر اساسی قراردادهای ریسکی خدمت ..... ۱۱۱
۱-۴-۱۷. موضوع قرارداد ..... ۱۱۱
۱-۴-۱۸. مالکیت نفت ..... ۱۱۲
۱-۴-۱۹. شرط ریسک ..... ۱۱۳
۱-۴-۲۰. نظام مالی باز پرداخت هزینه‌های پیمانکار ..... ۱۱۴
۱-۴-۲۱. قراردادهای بیع متقابل ایران ..... ۱۱۵
۱-۴-۲۲. ساختار مالی قراردادهای بیع متقابل ..... ۱۱۵
۱-۴-۲۳. نظام قانونی قراردادهای بیع متقابل ..... ۱۱۷
۱-۴-۲۴. رعایت مقررات زیست محیطی ..... ۱۲۰
۱-۴-۲۵. قراردادهای هیبریدی چین ..... ۱۲۰
۱-۴-۲۶. نظام مالی قراردادهای هیبریدی ..... ۱۲۱
۱-۴-۲۷. بهره مالکانه ..... ۱۲۱
۱-۴-۲۸. مالیات ..... ۱۲۱

## فهرست تفصیلی □ ۵

۱۲۲.....	۳-۱-۴. باز پرداخت هزینه‌ها .....
۱۲۲.....	۴-۱-۴. جایزه امضای قرارداد .....
۱۲۲.....	۲-۴. مالکیت منابع نفتی در چین .....
۱۲۴.....	یادداشت‌ها .....
۱۲۶.....	پی نوشت‌ها .....
فصل چهارم: تحلیل ماهیت حقوقی قراردادهای بین المللی نفت از منظر حقوق خصوصی .....	
۱۲۱.....	۱. ارکان حقوقی قراردادهای نفتی .....
۱۲۲.....	۱-۱. ماهیت تعهد پیمانکار .....
۱۲۳.....	۱-۲. ماهیت تعهد کارفرما .....
۱۲۷.....	۲. ماهیت حقوقی رابطه قراردادی بین کارفرما و پیمانکار .....
۱۲۷.....	۲-۱. قراردادهای بهره‌برداری از معدن در فقه اسلامی .....
۱۲۸.....	۲-۲. تبیین ماهیت قراردادهای بهره‌برداری از میادین نفتی در حقوق ایران .....
۱۴۱.....	۲-۲-۱. عقد یا ایقاع بودن جعله .....
۱۴۲.....	اول. دلایل قائلین به ایقاع بودن جعله .....
۱۴۳.....	دوم. دلایل قائلین به ماهیت قراردادی جعله خاص .....
۱۴۶.....	سوم. صحت و ماهیت جعله خاص در حقوق کامن لاو .....
۱۴۷.....	۲-۲-۲. ماهیت‌های حقوقی مشابه .....
۱۴۹.....	اول. مضاربه .....
۱۵۱.....	دوم. مشارکت .....
۱۵۳.....	نتیجه بخش دوم .....
۱۵۵.....	یادداشت‌ها .....
۱۵۶.....	پی نوشت‌ها .....
۱۵۹.....	بخش سوم: آثار قراردادهای بین المللی نفت .....
۱۵۹.....	مقدمه .....
۱۶۱.....	یادداشت‌ها .....
۱۶۱.....	پی نوشت‌ها .....

## و □ حقوق قراردادهای بین‌المللی نفت

فصل پنجم: اصل لزوم قراردادها و استثنای آن در قراردادهای نفتی.....	۱۶۳
۱. استثنای وارد بر اصل لزوم عقد در قراردادهای نفتی.....	۱۶۳
۱-۱. شرط خاتمه وفسخ قرارداد در قراردادهای امتیازی .....	۱۶۴
۱-۲. شرط خاتمه وفسخ قرارداد در قراردادهای مشارکت در تولید.....	۱۶۶
۱-۳. شرط خاتمه وفسخ قرارداد در قراردادهای خدماتی .....	۱۶۷
۲. جواز و یا لزوم قراردادهای بین‌المللی نفت در نظام حقوقی ایران .....	۱۶۷
۲-۱. آثار فسخ قرارداد از سوی جاعل.....	۱۷۰
۲-۲. اثر فسخ قرارداد از سوی عامل.....	۱۷۲
۲-۲-۱. انصراف عامل از انجام مورد جعله پس از شروع به کار.....	۱۷۲
۲-۲-۲. انصراف عامل از جعله پس از انجام کار.....	۱۷۳
یادداشت‌ها .....	۱۷۵
پی‌نوشت‌ها .....	۱۷۶

فصل ششم: تفسیر قراردادهای بین‌المللی نفت .....	۱۷۷
۱. تعیین قانون حاکم بر اساس اصل حاکمیت اراده .....	۱۸۱
۱-۱. مفهوم اصل حاکمیت اراده .....	۱۸۱
۱-۲. قلمرو اصل حاکمیت اراده .....	۱۸۲
۱-۳. نقش قانون دولت طرف قرارداد .....	۱۸۳
۲. نظریه تفسیر قرارداد بر اساس قواعد حقوق بین‌الملل .....	۱۸۵
۲-۱. تشییه این قراردادها به عهدهنامه‌های بین‌المللی .....	۱۸۶
۲-۲. پذیرش شخصیت بین‌المللی برای شرکت خارجی .....	۱۸۸
۳. نظریه تابعیت قرارداد از قواعد عرفی بازرگانی .....	۱۸۹
۳-۱. چراجی و مفهوم حقوق بازرگانی فراملی .....	۱۹۰
۳-۲. قلمرو اجرای قواعد بازرگانی فراملی .....	۱۹۲
۳-۲-۱. در مواردی که اجرای این قواعد محل تردید است .....	۱۹۲
اول. قرارداد مأفوّق هر قانون .....	۱۹۲
دوم. قواعد فراملی به عنوان جایگزینی برای قانون حاکم ملی .....	۱۹۴
۳-۲-۲. اجرای قاعده در نقش مکمل و مفسر .....	۱۹۴
۴. مسأله تعیین قانون حاکم در قراردادهای نفتی ایران .....	۱۹۵

فهرست تفصیلی □ ز

۱-۴. قانون حاکم در امتیاز نامه دارسی ..... ۱۹۵	
۲-۴. قانون حاکم در قرارداد ..... ۱۹۵	
۳-۴. قانون حاکم در قرارداد ..... ۱۹۶	
۴-۴. قانون حاکم در قراردادهای ..... ۱۹۷	
۵-۴. قانون حاکم در قراردادهای بعد از ..... ۱۹۸	
یادداشت ها ..... ۱۹۹	
پی نوشت ها ..... ۲۰۰	
فصل هفتم: تغییر قرارداد ..... ۲۰۳	
۱. قراردادهای اداری (قراردادهای دولتی) ..... ۲۰۵	
۱-۱. عناصر تشکیل دهنده قراردادهای اداری ..... ۲۰۷	
۱-۱-۱. عناصر شناسی خدمت عمومی ..... ۲۰۸	
۱-۱-۲. مفهوم دولت ..... ۲۰۸	
۱-۱-۳. تفاوت قراردادهای خصوصی و قراردادهای اداری ..... ۲۱۰	
۲. تحلیل ماهیت حقوقی از منظر عمومی یا خصوصی بودن در قراردادهای نفتی ..... ۲۱۰	
۳. شرط ثبات ..... ۲۱۴	
۱-۲. اعتبار شرط ثبات از دیدگاه حقوق ملی ..... ۲۱۷	
۲-۲. اعتبار شرط ثبات در حقوق بین الملل ..... ۲۱۸	
۲-۲-۱. قابلیت اجرای حقوق بین الملل ..... ۲۱۸	
۲-۲-۲. تعارض اصل الزام آور بودن قرارداد با حاکمیت ملی ..... ۲۱۹	
۲-۲-۳. رویه داوری بین المللی در شرط ثبات ..... ۲۲۱	
۴. مؤیدات امکان تغییر قراردادها توسط دولت در قوانین کشورهای غربی ..... ۲۲۵	
۱-۴. اختیار دولت در تغییر قراردادها در قوانین انگلستان ..... ۲۲۶	
۲-۴. اختیار دولت در تغییر قراردادها در حقوق فرانسه ..... ۲۲۷	
۳-۴. اختیار دولت در تغییر مفاد پروندهای بهره‌برداری از مخازن نفت و گاز در کانادا ..... ۲۲۸	
۴-۴. اختیار دولت در تغییر قراردادها در قوانین آمریکا ..... ۲۲۸	
۵-۴. اختیارات ویژه دولت در قراردادهای نفتی ایران ..... ۲۳۰	

## ح □ حقوق قراردادهای بین‌المللی نفت

۲۳۰.....	۱-۵-۴
۲۳۲.....	۲-۵-۴
۲۳۳.....	۳-۵-۴
۲۳۴.....	۴-۵-۴
۲۳۶.....	۵-۵-۴
۲۳۸.....	۶-۵-۴
۲۳۹.....	۷-۵-۴
۲۴۰.....	نتیجه‌گیری
۲۴۳.....	یادداشت‌ها
۲۴۶.....	پی‌نوشت‌ها
۲۴۹.....	نتیجه‌گیری
۲۵۰.....	فهرست منابع
۲۵۵.....	الف. منابع فارسی
۲۵۷.....	ب. منابع انگلیسی
۲۶۲.....	ج. منابع عربی
۲۶۵.....	نمایه فارسی
۲۸۱.....	نمایه انگلیسی



وَلَقَدْ رَأَيْنَا دَأْوَدَ وَسُلَيْمَانَ عِلْمَهُ وَقَالَا لَهُمْ مُّهَمَّةٌ لِّلَّهِ الَّذِي فَضَّلَنَا

عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ مِّنْ عِبَادِهِ الْمُؤْمِنِينَ

(قرآن مجید. سوره مبارکه النمل. آیه شریفه ۱۵)

### تریبیت اسلامی، مرجعیت علمی

«کاری کنید که دانشگاه امام صادق علیهم السلام ... مرجع تحقیقات مراکز علمی  
و دانشگاه‌های دنیا بشود»<sup>۱</sup>  
مقام معظم رهبری

### سخن ناشر

فلسفه وجودی دانشگاه امام صادق علیهم السلام که از سوی ریاست دانشگاه به کرات مورد توجه قرار گرفته، تربیت نیروی انسانی ای متعدد، باتقو و کارآمد در عرصه عمل و نظر است تا از این طریق دانشگاه بتواند نقش اساسی خود را در سطح راهبردی به انجام رساند.  
از این حیث «تریبیت» را می‌تران مقوله‌ای محوری یاد نمود که وظایف و کارویژه‌های دانشگاه، در چارچوب آن معنا می‌یابد؛ زیرا که «علم» بدون «ترکیه» بیش از آنکه ابزاری در

۱. از بیانات مقام معظم رهبری در ملاقات استادی و دانشجویان دانشگاه امام صادق(ع) مورخ ۱۳۸۴/۱۰/۲۹

## ۲ □ حقوق قراردادهای بین‌المللی نفت

مسیر تعالیٰ و اصلاح امور جامعه باشد. عاملی مشکل ساز خواهد بود که سازمان و هویت جامعه را متاثر و دگرگون می‌سازد.

از سوی دیگر «سیاست‌ها» تابع اصول و مبادی علمی هستند و نمی‌توان منکر این تجربه تاریخی شد که استواری و کارآمدی سیاست‌ها در گرو انجام پژوهش‌های علمی و بهرمندی از نتایج آنهاست. از این منظر پیشگامان عرصه علم و پژوهش، راهبران اصلی جریان‌های فکری و اجرایی به حساب می‌آیند و نمی‌توان آینده درخشانی را بدون توانایی‌های علمی - پژوهشی رقم زد و سخن از «مرجعیت علمی» در واقع پاسخ‌گویی به این نیاز بنیادین است.

دانشگاه امام صادق(علیه السلام) درواقع یک الگوی عماسی برای تحقق ایده دانشگاه اسلامی در شرایط جهان معاصر است. الگویی که بیش از «ربع قرن» تجربه دارد و هم اکنون ثمرات نیکوی این شجره طیبه در فضای ملی و بین‌المللی قابل مشاهده است. طبعاً آنچه حاصل آمده محصول نیت خالصانه و جهاد علمی مستمر مجموعه بنیانگذاران و دانشآموختگان این نهاد است که امید می‌رود در طليعه دور جدید فعالیتش بتواند به توسعه و تقویت آنها در پرتو عنایات حضرت حق تعالیٰ، اهتمام ورزد.

معاونت پژوهشی دانشگاه امام صادق(علیه السلام) با توجه به شرایط، امکانات و نیازمندی جامعه در مقطع کوتني با طرحی جامع نسبت به معرفی دستاوردهای پژوهشی دانشگاه، ارزیابی سازمانی - کارکردی آنها و بالاخره تحلیل شرایط آتی اقدام نموده که نتایج این پژوهش‌ها در قالب کتاب، گزارش، نشریات علمی و... تقدیم علاقه‌مندان می‌گردد. هدف از این اقدام - ضمن قدردانی از تلاش خالصانه تمام کسانی که با آرمان و اندیشه‌ای بزرگ و ادعایی اندک در این راه گام نهادند - درک کاستی‌ها و اصلاح آنها است تا این طریق زمینه پرورش نسل جوان و علاقه‌مند به طی این طریق نیز فراهم گردد؛ هدفی بزرگ که در نهایت مرجعیت مکتب علمی امام صادق(علیه السلام) را در گستره بین‌المللی به همراه خواهد داشت. (ان شاء الله)

ولله الحمد

معاونت پژوهشی دانشگاه امام صادق(علیه السلام)

به نام خداوند جان و خرد  
کزین برتر اندیشه بر نگذرد

## دیباچه

بیش از یک قرن از اکتشاف و تولید نفت در ایران زمین می‌گذرد. این واقعیت که اکتشاف و توسعه میادین نفت و گاز نیازمند توان مالی هنگفت و بهره‌ای از دانش فنی می‌باشد همواره سبب گردیده که اقدام به بهره‌برداری از این نعمت خدادادی از طریق قراردادهایی با صاحبان دانش و خواسته انجام گیرد. این قراردادها در بسیاری از موقع به ویژه در هنگام حدوث اختلاف و ادعا فی مابین طرفین محل رجوع و تفسیر حقوقدانان بوده است. رژیم حقوقی نفت، بررسی مفاد قراردادها، تعیین ماهیت حقوقی آنان و آثار ناشیه، قانون حاکم و امکان تجدید نظر در مفاد قراردادها از جمله مواردی بوده است که توجه دانشمندان علم حقوق را به خود معصوف نموده و همواره موضع بحث و نظر در آرای محاکم داوری و قضایی بین‌المللی بوده است.

علی‌رغم سابقه طولانی ابتلای کشور به مسائل و دعاوی حوزه حقوق نفت، ادبیات حقوقی این رشته به تناسب رشد نموده و آنچنان که باید محل تضارب آراء و افکار قرار نگرفته تا نتیجه این اختلاف نظرهای میمون علمی، غنای حقوق نفت و تسلط حقوقدانان ایرانی و آشنایی دانشکده‌های حقوق به این مباحث باشد.

کتاب حاضر تلاشی است در جهت تحلیل مفاد قراردادهای بالادستی رایج در تجارت بین‌الملل نفت بر اساس سابقه حقوق بین‌الملل و تطبیق آن با نهادهای حقوق داخلی و بدین منظور به بررسی موشکافانه شروط قراردادی، آرای صادره در داوری‌های بین‌المللی و دکترین حقوقی مطرح در این زمینه پرداخته. آنچه بر اهمیت این اثر می‌افزاید کندو کاو فقهی ماهیت قراردادها و نظام مالکیت نفت در حقوق اسلام و فقه شیعه است که پیوند میان ریشه‌های اصیل

## ۴ □ حقوق قراردادهای بین‌المللی نفت

حقوق داخلی و بحث‌های روز حقوق تجارت بین‌الملل را برقرار می‌سازد. در این کتاب محقق پس از بررسی تاریخ اقتصاد سیاسی قراردادهای نفتی و با وجود غور و دقت در منابع فراوانی که گرد آورده است، فقط به حکایت و روایت نظریات موجود در حقوق بین‌الملل و فقهه قناعت نمی‌کند بلکه در پی یافتن پاسخی برای مسایل مستحبته کشور است. در ابتدای تحقیق، پژوهشگر به درستی دغدغه تبیین نظام حقوقی مالکیت نفت را دارد. امری که سالیان دراز در بسیاری از کشورهای جهان محل تضارب آراء و بعضًا دلیل حرکت‌های اجتماعی بوده است. مطالعه تطبیقی نسبتاً جامع نظامهای حقوقی مالکیت نفت و منابع معدنی در قالب نظامهای خصوصی مالکیت، نظام حاکمیتی و نظام مالکیت عمومی نفت به انضمام مطالعه فقهه شیعه در خصوص مالکیت معادن و دخول آنها تحت رژیم مالکیت افال و همسویی نظام حقوق بین‌الملل در خصوص به رسمیت شناختن حاکمیت دائمی ملتها بر منابع طبیعی و زیرزمینی خود نتایجی است که این تحقیق را برجسته می‌سازد.

مطالعه دقیق و جامع انواع قراردادهای بین‌المللی سرمایه‌گذاری در صنایع بالادستی نفت و استخراج حقوق و تکالیف سرمایه‌گذار و کشور میزان، مقایسه انواع قراردادها با یکدیگر و تبیین اصول کلی حاکم بر هریک اطلاعات مفید و موجزی را فراهم آورده است که برای آشنایی با موضوع این قراردادها و توان تحلیل حقوقی آنها بسیار مفید است.

تحلیل ماهیت حقوقی این قراردادها با توجه به نهادهای حقوقی حقوق ایران امر بدیعی است که در مواردی که قانون حاکم بر قرارداد قانون ایران باشد کمک شایانی به تبیین نقاط تاریک قرارداد و تعیین حکم مسأله می‌کند. همچنین در بسیاری موارد آثار حقوقی قرارداد با استعانت از همین ماهیت تبیینی روشن می‌شود.

در بخش آثار حاکم بر قراردادها نیز به بررسی اصل لزوم قراردادها و پاییندی به مفاد آن، شیوه تفسیر قراردادها، و تغییر شرایط قرارداد پرداخته شده که هر یک سرفصل مهمی را در حقوق تجارت بین‌الملل به خود اختصاص می‌دهد. بررسی جواز و لزوم قراردادهای نفتی و موارد درج حق فسخ در این قراردادها با توجه به حجم سنگین سرمایه‌گذاری در این پروژه‌ها نقش به سزاوی دارد و در بسیاری موارد فسخ یک‌طرفه قراردادها منشاء ایجاد دعواهی سنگین به خصوص در پرونده‌های ملی شدن صنایع نفت بوده است.

قرار گرفتن این قراردادها در زمرة قراردادهای طولانی مدت باعث شده است که قواعد

حاکم بر تفسیر این قراردادها همواره از مسایل مصرح در داوری‌های بین‌المللی باشد. به طور کلی سه نظر در خصوص تفسیر این قراردادها طرح شده است. گروه اول معتقد به تفسیر قرارداد بر اساس اصل حاکمیت اراده هستند. سوال مطرح در این فرض آنست که با توجه به قانون ملی دولت میزبان، حاکمیت اراده تا کجا قابل استناد است. گروه دوم معتقد به حاکمیت قواعد حقوق بین‌الملل بر قرارداد هستند. اینان برای مستدل ساختن سخن خود به ناچار برای شرکت‌های بین‌المللی شخصیت بین‌المللی قابل شده‌اند و قراردادهای سرمایه‌گذاری صنعت نفت را به عهد نامه بین‌المللی تشییه نموده‌اند. هر یک از این توجیهات با ایرادات فراوانی از سوی مخالفین مواجه شده است که به این جهت نسل بعدی قائلین به این نظر، نظریه پیروی قرارداد از قواعد حقوق بازارگانی فرا ملی را طرح و تبیین نموده‌اند. محقق در این کتاب در مقام طرح و رد هر یک از نظرات، بدون پیش فرض و با چشم انصاف به موضوع نگریسته و به خوبی حق مطلب را ادا نموده است.

در نهایت و در آخرین فصل کتاب از امکان تغییر شرایط و مغاد قراردادهای بین‌المللی نفست با توجه به اینکه زیر مجموعه قراردادهای اداری هستند بحث شده است. محدود نمودن اختیار دولتها در قالب شرط ثبات نیز از جمله شروط بحث برانگیز در این قراردادها است. این شرط موافقین و مخالفین بسیاری در میان حقوقدانان متایل به کشورهای میزبان و سرمایه فرست دارد. نویسنده به تمام زوایای این نظریات پرداخته و بعضًا با استناد به رویه قانونگذاری کشورهای سرمایه فرست و با تجزیی خاصی در مقام پاسخ گویی به استدلالات آنها برآمده است.

مطلوبی که در بالا شرح آن گذشت به این ترتیب و تسلسل سابقه طرح در ادبیات حقوقی ایران نداشته و امید آنکه کتاب حاضر به رواج و تعمیق مباحث حقوق نفت در میان جامعه حقوقی کشور و غنای ادبیات حقوقی حقوق نفت بیانجامد. شکل‌گیری قواعد فراملی بازارگانی در تجارت بین‌المللی تا حد زیادی نتیجه شناخت و حضور حقوقدانان کشورهای بازیگر در عرصه تجارت بین‌الملل است. بنابراین برای صیانت از حقوق ایران عزیز اسلامی چاره‌ای جز حضور جدی حقوقدانان ایرانی در مباحث علمی این رشتہ نیست.

دکتر محسن اسماعیلی

استادیار دانشگاه امام صادق(علیه السلام)



## مقدمه

صنعت نفت تا کنون سه نوع قرارداد بین‌المللی را در حوزه اکتشاف و توسعه می‌ادین نفتی تجربه کرده است؛ منظور از قراردادهای بین‌المللی قراردادهایی است که متنضم‌من حرکت سرمایه از نقطه‌ای از دنیا به نقطه دیگر باشد. به بیان دیگر این قراردادها چارچوب حقوقی سرمایه گذاری خارجی در صنعت نفت بوده است. نخستین چارچوب قرارداد مورد استفاده، قراردادهای حق الامتیازی (CONCESSION) بود که قبل از سال‌های ۱۹۵۰ میلادی در اغلب نقاط دنیا استخراج نفت توسط شرکت‌های بین‌المللی نفت در این قالب صورت می‌پذیرفت. خصوصیت این قراردادها ناظرت و کنترل اندک کشورهای تولید کننده نسبت به منابع نفتی خود و فعالیت‌های شرکت‌های نفتی بود. در نتیجه با گذر زمان قراردادهای حق الامتیازی به منظور کسب سهم بیشتری از منابع منابع نفتی، از سوی کشورهای میزبان مورد انتقاد قرار گرفته و این انتقادات منجر به ظهور نسلی نو از قراردادهای نفتی به نام مشارکت در تولید (PRODUCTION SHARING) گردید که دولت‌های میزبان را به عنوان بازیگر وارد صحنه صنعت نفت نمود. این تحول قراردادی در برخی کشورها به آهستگی رخ داد ولی در گروه دیگری از آن‌ها به شکل جنبش‌های اجتماعی ظهور و بروز داشت؛ آنچه که در لسان حقوق‌دانان با واژه ملی کردن تفسیر شد و گاهی هم با پرداخت غرامت‌های سرسام آور همراه بود. نسل دوم قراردادها امروزه در سراسر جهان شناخته شده و چارچوبی فرآیند برای سرمایه‌گذاری شرکت‌های نفتی در کشورهای تولید کننده نفت می‌باشد. اما تحول قراردادهای نفتی به این مرحله ختم نشد و کشورهای تولید کننده با هدف کنترل کامل و بی‌قید و شرط منابع نفتی خود، نسلی نو از قراردادهای نفتی را به صنعت نفت معرفی نموده که آنرا قراردادهای

## ۸ □ حقوق قراردادهای بین‌المللی نفت

خدمت (SERVICE CONTRACTS) نامیده‌اند. در این قراردادها شرکت‌های نفتی فقط پیمانکار تلقی می‌شوند و فرض بر آن است که پیمانکار تحت مدیریت عمومی کشور میزبان فعالیت می‌کند و مالکیتی نسبت به منابع نفتی ندارد.

مسئله انتخاب چارچوب قرارداد در سرمایه‌گذاری‌های بین‌المللی صنعت نفت همواره از موضوعات بحث‌انگیز و جنجالی بوده است، تا آنجا که گاهی کشورهای میزبان برای تغییر چارچوب قرارداد با توسل به شیوه‌هایی چون ملی کردن صنعت نفت یا مصادره اموال شرکت‌های نفتی به پرداخت خسارات سنگینی در محاکم بین‌المللی محکوم شده‌اند. اما به‌نظر می‌رسد شرکت‌های چند ملیتی نفتی فارغ از چارچوب انتخابی برای قرارداد فی‌سابین، منافع متوجه الحصول و مد نظر خود را کسب می‌نمایند و نوع قرارداد، تغییری در این مسئله به وجود نمی‌آورد؛ چراکه با بررسی انواع مختلف قراردادها مشاهده می‌شود که در مسائل اصلی قراردادهای نفتی (مانند: توانایی‌های مدیریتی دولت‌ها، تحمل مخاطرات ناشی از تحولات سیاسی، شرایط جغرافیایی، فنی و سرمایه‌گذاری) تفاوت واقعی مابین انواع قراردادها وجود ندارد و به هر روایی شرکت‌ها هیچگاه در قراردادی که از نظر تجاری برای آن‌ها توجیه اقتصادی نداشته باشد وارد نمی‌شوند. حتی در قراردادهای خدمت هم شرکت‌های نفتی منافع موردنانتظار خویش را از طریق نظامهای پیچیده مالی قرارداد مانند: حق‌الرحمه، نرخ بهره سرمایه و ... بدست می‌آورند. از طرف دیگر با بررسی انواع این قراردادها به این نتیجه می‌رسیم که رابطه بین کترل منابع نفتی و تحمل ریسک از بین نرفته است. به این معنی که طرفی از قرارداد که بار تحمل مخاطرات اکتشاف و تولید را بر عهده دارد، کترل بیشتری نیز بر میدان دارد. شرکت‌های ملی نفت اگرچه مالکیت منابع نفتی و حتی نفت استخراج شده، به‌وجب قراردادهای خدماتی حق مدیریت کلی (OVERALL MANAGEMENT)، را برای خود محفوظ داشته‌اند، ولی اختیارات ویژه مدیریت برای سرمایه‌گذاران محفوظ مانده است.

شایع‌ترین قرارداد استخراج و اکتشاف منابع و مخازن نفتی، قرارداد مشارکت در تولید است. این قراردادها از سال ۱۹۵۰ در آندونزی ایجاد شد. قراردادهای مذکور فرق چندانی با قراردادهای خدمت ندارند. عناصر اساسی مانند: ریسک، تأمین منابع مالی، مدیریت سرمایه‌گذار، مالکیت نفت استخراج شده و منابع معدنی، مدیریت عمومی دولت میزبان و مسایلی از این قبیل در هر دو یکسان است. در هر دوی این قراردادها شرکت چند ملیتی

سهمی از نفت تولیدی را در ازای خدمات خود دریافت می دارد.

در قراردادهای امتیازی، دارنده امتیاز تمام نفت تولیدی را تصاحب می کند و سپس مالیات بر درآمد و مالیات های دیگر به علاوه حق مالکانه را به دولت پرداخت می کند. در این قراردادها هم مانند قرارداد مشارکت در تولید، مالیات پس از کسر هزینه های اکتشاف و استخراج محاسبه می گردد. نظام مالی قراردادهای مشارکت در تولید با نظام مالی حاکم بر قراردادهای نوظهور امتیازی، شباهت معناداری پیدا کرده است.

در همه انواع این قراردادها به لحاظ دخالت دولت به عنوان طرفی از قرارداد، آثار مشابهی بارمی شود. این نقش دولت موجبات همگرایی افزون تر را در آثار قراردادهای بین المللی نفت فراهم آورده است. در واقع مالکیت و نفع عمومی کالای نفت در فعالیت های مربوط به توسعه و اکتشاف آن، منجر شده است که قواعد حاکم بر تجارت خصوصی در بسیاری موارد تخصیص خورده و دولت ها قراید حقوق عمومی را در سرمایه گذاری های نفتی به مرحله اجرا گذارند.

این شواهد این تردید را به وجود می آورد که شاید انتخاب چارچوب خاصی از قراردادها فقط در حد یک سنت حقوقی و بیشتر ناشی از اقتضائات سیاسی باشد تا تفاوت های واقعی حقوقی؛ علاوه بر آن که چارچوب های قرارداد نیز به طور معمول توسط همان شرکت های چند ملیتی پیشنهاد شده است.

در واقع اگرچه ممکن است چارچوب حقوقی قرارداد در روابط طرفین تأثیر داشته باشد اما در حقیقت، این شرط قرارداد و نظام مالی آن است که شرکت های نفتی با توصل به آنها منافع خاص خود را تأمین می کنند. از طرف دیگر آیا در عصر گسترش اطلاعات و آگاهی های فنی، این احتمال وجود دارد که کشوری صرف انتخاب یکی از چارچوب های رایج قرارداد مانند امتیاز، مشارکت در تولید و یا خدمت از نفع بیشتری برخوردار گردد و کشور دیگر صرف عدم استفاده از چنین قالبی متضرر شود؟ آیا ممکن است بگوییم، در کشورهای پیشفرته که هم اکنون از نظام امتیازی استفاده می کنند نفع ملی در اولویت نبوده و آنها منابع ذی قیمت خود را در معرض تاراج شرکت های چند ملیتی قرار داده اند؟ پاسخ به این سوالات نیازمند بررسی جامع ماهیت و آثار حقوقی قراردادهای بین المللی رایج در صنعت نفت است. اصولاً این چنین

## ۱۰ □ حقوق قراردادهای بین‌المللی نفت

رویکردی نسبت به این قراردادها تاکنون مورد توجه واقع نشده است و به لحاظ عدم انبعاث این قراردادها از سنت‌های ملی حقوقی کشورهای میزبان، این کشورها با مفاهیم اساسی حقوقی این قراردادها بیگانه بوده و در مقابل مسائل پیش آمده در این موضوعات، انفعالی عمل کرده‌اند. لذا در این کتاب هم و تلاش اصلی نویسنده بر آن است که قراردادهایی که تاکنون در حیطه اکتشاف و استخراج نفت در عرصه بین‌المللی منعقد شده، تبیین نماید. آنچه در قراردادهای نفتی و به تبع آن در حقوق نفت، که در عرصه بین‌المللی بیشتر زاییده استنباط داوران است، اهمیت دارد، توجه به چارچوب از پیش تعیین شده آن نیست، بلکه مجموعه‌ای از شروط مالی و حقوقی قرارداد است که عمدهاً در مذکورات فی‌مایین، حسب شرایط و مقتضیات حاکم بر جذب سرمایه‌گذاری خارجی تعیین می‌شود.

برای این منظور با بررسی ماهیت و آثار حقوقی قراردادهای بین‌المللی نفت در کشورهایی که مالکیت نفت در آن‌ها متعلق به دولت است، به دنبال پاسخی برای این پرسش هستیم که آیا از حیث ماهیت حقوقی واقعاً تفاوتی میان انواع مختلف قراردادهای نفتی وجود دارد یا خیر؟ همچنین با بررسی فقهی ماهیت و آثار قراردادهای نفتی بین‌المللی نیز برآئیم تا میزان سازگاری این قراردادها را با موازین فقهی مشخص نماییم. به طور خلاصه برآئیم تا ضمن تحلیل ماهیت حقوقی این قراردادها بر اساس ضوابط و ساختارهای حقوقی ملی، به این پرسش‌ها پاسخ دهیم که آیا اصولاً تفاوتی در ماهیت حقوقی این قراردادها و آثار آن وجود دارد؟ آیا ماهیت حقوقی این قراردادها با توجه به مبانی فقهی قابل توجیه است؟ و آیا با توجه به نظام حقوقی مالکیت نفت و تبعاً نقش ویژه دولت در آن‌ها می‌توان این قراردادها را از گروه قراردادهای اداری دانست؟

در نهایت با توجه به پاسخ پرسش‌های فوق به این نتیجه می‌رسیم که آیا تعیین یک چارچوب قراردادی خاص برای حفظ منافع حقوقی کشورهای تولید کننده نفت و گاز ضروری است؟ و به طور خاص آیا چنین ماهیت و آثاری موجبات تضمین منافع ملی دولت‌های میزبان را فراهم می‌کند؟ آیا اصولاً می‌توان نظر داد که چارچوب قراردادها از اهمیت ثانوی برخوردار بوده و نقش تعیین کننده‌ای در تأمین منافع حقوقی کشورها با شروط قراردادی دارد؟ برای پاسخ به این سوالات در بخش نخست و با توجه به سیر تاریخی قراردادهای بین‌المللی نفت و نظر به اینکه همواره فضای مذکورات و معاملات نفتی با مسائل سیاسی آغشته بوده است، ابتدا به بررسی سیر تاریخی قراردادهای بین‌المللی نفت در سراسر جهان

می پردازیم تا با فضای تحول این قراردادها آشنا شویم. این مطالعه گذشته از این که به نوعی تاریخ حقوق قراردادهای بین‌المللی نفت است و در بررسی حقوقی یک موضوع از الزامات است، ما را اندکی با فضای اقتصاد سیاسی موضوع نیز آشنا می‌سازد.

سپس به بررسی رژیم حقوقی مالکیت مخازن نفتی در نظام‌های حقوقی رایج می‌پردازیم، زیرا رژیم حقوقی مالکیت، آثار فراوانی در تعیین و تغییر آثار قرارداد خواهد داشت. علاوه بر آن که رژیم مالکیت و حاکمیت بر منابع طبیعی در حقوق بین‌الملل نیز موضوع بحث و جدل‌های فراوانی بوده است و گاهی اوقات ماهیت خاص برخی از کالاها و خدمات و تأثیر آن‌ها در سرنوشت اقتصادی-سیاسی یک ملت منجر به تغییر قواعد معمول حقوقی حاکم بر مسئله شده است. بنابراین شناخت ماهیت حقوقی این قراردادها بدون شناخت رژیم مالکیتی حاکم بر موضوع قرارداد که نفت می‌باشد، ممکن نیست. به‌ویژه آن‌که در صد ساله اخیر نفت به سیاسی‌ترین کالای جهان تبدیل شده و این تحول، نگاهی خاص را به رژیم مالکیت آن به وجود آورده است.

در بخش دوم برای تبیین ماهیت حقوقی قراردادها و شناخت تعهدات هر یک از طرفین قرارداد، ابتدا به توضیح و تبیین موضوع هر یک از قراردادهای رایج بین‌المللی نفت می‌پردازیم تا موضوع بحث به خوبی روشن شود و بعد از شناخت دقیق و جزیی این قراردادها به استخراج تعهدات کارفرما و پیمانکار یا کشور میزبان و سرمایه گذار می‌پردازیم. بعد از طی این طریق نوبت به تبیین ماهیت این قراردادها از منظر و دیدگاه حقوق خصوصی می‌رسد.

در بخش سوم به بررسی آثار این قراردادها با توجه به ماهیت تبیین شده برای آن‌ها اقدام می‌شود. در بررسی آثار عقد بین طرفین معامله، سه بحث وجه همت قرار خواهد گرفت. اولین اثر عقد که مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد، اصل لزوم قرارداد و استثنایات وارد بر آن در قراردادهای بین‌المللی نفت است که با توجه به ماهیت تبیین شده برای این قراردادها، باید درجه پای‌بندی طرفین به مفاد عقد تعیین شود. به بیان دیگر باید مشخص شود که طرفین عقد با توجه به مقتضیات ذات و اطلاق این عمل حقوقی تا چه حد ملزم به آثار و نتایج عقد هستند و به عبارت دیگر آیا اصال لزوم در این مورد نیز جاریست یا خیر؟ مسئله دومی که در این

## ۱۲ □ حقوق قراردادهای بین‌المللی نفت

بخش باید مورد مطالعه و مدققه قرار گیرد تفسیر قرارداد است که در مانحن فیه به واسطه اهمیت یافتن تعیین قانون حاکم، نقش بهسزایی دارد. تعیین قانون حاکم بر قراردادهای بین‌المللی سرمایه گذاری، از موضوعاتی بوده که در قرن بیستم مورد بحث بسیاری از پروندهای در دادگاههای بین‌المللی قرار گرفته و عهدنامه‌های زیادی در این خصوص منعقد شده و یا به تصویب مراجع بین‌المللی رسیده است. زیرا قانون حاکم بر قرارداد در بسیاری از موارد سرنوشت آثار قرارداد را تعیین می‌نماید. به هر ترتیب روش و رویه تعیین قانون حاکم در قراردادهای نفتی تأثیر بهسزایی در تعیین اختیارات دولت میزبان برای تغییر مفاد قرارداد دارد. از اینجا وارد مسئله سومی در آثار قرارداد می‌شویم و آن تغییر قرارداد است. ثمره مباحث ابتدایی بخشن اول در خصوص رژیم حقوقی مالکیت نفت در این مرحله خود نمایی می‌کند. زیرا مالکیت دولت بر موضوع قرارداد و دخالت آن به عنوان یک طرف قرارداد الزاماتی دارد که موجب انحراف از قواعد خاص حقوق خصوصی می‌شود. این مسئله باعث شده است تا برخی حقوق‌دانان این قراردادها را در زمرة قراردادهای اداری بدانند و معتقد به اختیار دولت در تغییر مفاد این قراردادها با رعایت منافع عمومی و بدون اقدامات تعییض آمیز باشند. براساس این رأی حتی اعتبار شرط ثبات در قرارداد و یا لاقل دامنه نفوذ آن، محل تردید است. نظری که از سوی برخی حقوق‌دانان کشورهای سرمایه‌فرست و مخصوصاً حقوق‌دانان شرکت‌های بزرگ نفتی مورد انتقاد واقع شده است. به هر تقدیر این مسئله محل تضارب آرا و عامل مهمی در تعیین سرنوشت آثار قراردادهای بین‌المللی نفت است. زیرا اگر این قراردادها تابع نظام حقوق اداری قرار گیرد، صرف‌نظر از ماهیت حقوق خصوصی آن‌ها، به جهت قواعد خاص حاکم بر قراردادهای اداری، همگرایی دو چندانی در قواعد عمومی حاکم بر آثار قرارداد از حيث لزوم و جواز، تفسیر قرارداد و امکان تغییر مفاد آن پیدا خواهد شد که تفصیل آن در انتهای بخش سوم خواهد آمد. به نظر می‌رسد پیمودن راهی که در بالا نمایانده شد ما را به پاسخی برای این سوال خواهد رساند که آیا در عالم واقع تفاوت تأثیرگذاری بین ماهیت و آثار حقوقی انواع قراردادهای بین‌المللی نفت وجود داشته است یا این که این قراردادها فقط ساختارهای مالی برای تنظیم منفعت حاصل از اجرای قرارداد با ماهیت حقوقی مشابه بوده‌اند؟ نتیجه این تحقیق می‌تواند چراغ راه تصمیم‌گیران و سیاست‌گذاران در انتخاب چارچوب‌های قرارداد سرمایه‌گذاری خارجی در پروژه‌های آتی نفت و گاز کشور باشد.

## **بخش نخست: تاریخچه و مبانی قراردادهای بین‌المللی نفت در بخش بالا دستی**

### **مقدمه**

برای مطالعه قراردادهای بین‌المللی نفت لازم است ابتدا سابقه تاریخی و مبانی حقوقی مؤثر در این قراردادها مورد مطالعه و بررسی قرار گیرد. زیرا نفت سیاسی‌ترین کالای تجاری یک‌صد ساله اخیر است، و به همین دلیل برای تحلیل این قراردادها لازم است مختصه‌ی با فضای اقتصاد سیاسی حاکم بر آن آشنا شویم تا مسیر برای فهم فضای حاکم بر بحث‌های حقوقی هموار گردد. لذا در ابتدا به اختصار تاریخچه این قراردادها را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

باید توجه داشت که ماهیت سیاسی نفت در رژیم مالکیت آن نیز به شدت تأثیر گذاشته است و آنرا در بسیاری از نقاط جهان در زمرة کالاهای عمومی درآورده، که این ویژگی منجر به دخالت گسترده دولت در امور و مقدرات صنعت شده است. در نتیجه لازم است در ادامه و قبل از ورود به مباحث حقوقی قراردادهای بین‌المللی نفت، رژیم مالکیت نفت نیز به قدر کفايت مورد مطالعه قرار گیرد. با عنایت به توضیحات بالا در فصل اول این بخش به مرور تاریخچه این قراردادها و روند تحولات تاریخی در پست حوادث می‌پردازیم و در فصل دوم رژیم مالکیت نفت را مورد مطالعه و بررسی قرار خواهیم داد.



## فصل اول: تاریخچه قراردادهای بین‌المللی نفت در بخش بالادستی

قراردادهای بین‌المللی نفت و گاز در جهان دارای سابقه‌ای یکصد ساله است. بعد از حفر اولین چاه نفت در سال ۱۸۵۹ توسط کلتل دریک در آمریکا<sup>۱</sup> و اهمیت یافتن انرژی به عنوان وسیله تفوق دارندگان آن بر سایر ملت‌ها، توجه سرمایه‌گذاران که عمدهاً دارای تابعیت کشورهای برخوردار بودند به سوی کشورهای نفت‌خیز جهان و از جمله خاورمیانه جلب شد. برای تثبیت منافع حاصل از فعالیتهای اکتشافی؛ سرمایه‌گذاران روابط خود را با دولت‌های میزبان در قالب قراردادهایی تنظیم می‌کردند. این قراردادها دوره‌های تاریخی مختلفی را پیش‌ست سرگذاشته و تحولاتی را تجربه کرده است که مطالعه مختصر آن برای آشنایی با سابقه این قراردادها و قرار گرفتن در فضای بحث در جهت تحلیل فرضیه تحقیق ضروری می‌نماید. لذا ابتدا به بیان تاریخچه مختصر قراردادهای بین‌المللی نفت و أدوار تاریخی آن می‌پردازیم:

### ۱. دوره حق الامتیازها

در مهمترین کشورهای تولید کننده نفت دنیا، صنعت نفت به صورت ملی اداره می‌شود. اداره نود درصد از مخازن نفتی دنیا در اختیار شرکت‌های ملی نفت است. پنج شرکت ملی نفت حوزه خلیج فارس یک چهارم نفت دنیا را تولید می‌کنند و مالک نیمی از مخازن نفتی دنیا هستند. در ربع نخست قرن بیستم، بخش بین‌المللی نفت توسط چند شرکت محدود اروپایی و امریکایی اداره می‌شد. شرکت‌های بین‌المللی اصولاً با دو مشی سیاسی متفاوت در دنیا شکل

## ۱۶ □ حقوق قراردادهای بین‌المللی نفت

گرفته‌اند. گروه اول استاندارد اویل (Standard Oil)، نابل (Nobel) و رات‌شیلد (Rothschilds) بودند که بهترتب در کشورهای آمریکا، روسیه و رومانی به استخراج و فروش نفت تولید شده در کشورهای خود از طریق سیستم بازاریابی، خط لوله و کشتی‌رانی که به این منظور تأسیس شده بود، می‌پرداختند. گروه دوم شرکت‌هایی مانند شرکت آنگلو-پرشین (AngloPersian Oil Company) و رویال داچ (Royal Dutch) بخلاف گروه اول بیشترین حجم فعالیتهای تجاری خود را در خارج از مرزهای سرزمینی کشورهای خود مستقر ساختند. این شرکت‌های توسط سرمایه‌گذارانی تشکیل شده بود که امتیازهای (concession) قابل توجهی را در کشورهای در حال توسعه بدست آورده بودند و از سوی دیگر متنکی به پشتیبانی کشورهای مبدأ (Home countries) خود بودند. ایران مثال قابل توجهی برای این دسته از قراردادهای امتیازی است. شاه ایران در ۱۹۰۱ نخستین امتیاز نفتی خاورمیانه را به ویلیام ناکس دارسی (William Knox D'Arcy) که سرمایه‌گذاری انگلیسی-استرالیایی بود و آگذار نمود. دارسی هیچ شرکتی نداشت و فقط یک منشی داشت که به رتق و فرق امور او می‌پرداخت.<sup>۲</sup> در قرارداد امتیاز دارسی وی متعهد شد در مقابل اجازه استخراج نفت در ایران بیست هزار لیره استرلینگ نقد و معادل بیست هزار لیره از سهام پرداخت شده شرکتی که بعداً تأسیس خواهد شد را به دولت ایران پرداخت نماید.<sup>۳</sup> دارسی در جستجوی نفت تمام سرمایه خود را هزینه کرد و وقتی که منابع مالی او به اتمام رسید با شرکت نفت برمه در سال ۱۹۰۵ مشارکت نمود. در سال ۱۹۰۸ اولین چاه نفتی در مسجد سلیمان کشف شد. یک سال بعد دارسی شرکت آنگلو پرشین (این شرکت در سال ۱۹۲۵ به آنگلو-ایرانی و در سال ۱۹۵۴ به بریتیش - پترولیوم British Petroleum) تغییر نام داد) را تأسیس نمود. دولت انگلیس علاقه زیادی به حمایت از این امتیاز داشت زیرا بدین واسطه می‌توانست نفوذ خود را در جنوب ایران گسترش دهد و در نتیجه در مقابل سایر قدرتها بیکار که ممکن بود از طریق زمین، هند را مورد تهدید قرار دهنده مانع مطمئنی ایجاد نماید. علاقه لندن به این موقعیت ژئوپلیتیک منطقه منجر به آن شد که ۵۱ درصد سهام شرکت آنگلو-پرشین را خریداری نماید، اگرچه در آن زمان نفت به هیچ وجه موقعیت استراتژیکی را که بعدها بدست آورد نداشت.

رقبات‌های جهانی بین دولت‌های استعمارگر منجر به آن شد که در سال ۱۹۰۷ انگلیس و روسیه ایران را به سه قسمت محدوده نفوذ انگلیس در جنوب، محدوده نفوذ روسیه در شمال و منطقه بی

طرف در مرکز ایران تقسیم نمایند. با وجود این از سال ۱۹۱۴ که نفت اهمیت خود را در مبادلات جهانی آشکار ساخت، انگلیس اقداماتی را انجام داد تا بتواند از منابع نفتی که در منطقه بسی طرف بود نیز استفاده کند. مطابق نظریه‌ای که چرچیل برای منافع ملی انگلیس تعریف نموده بود نفت عاملی بود که منجر به برتری استراتژیک و رجحان اقتصادی انگلیس نسبت به سایر رقبا می‌شد. غیر از ایران کشورهای دیگری در خاورمیانه و شمال آفریقا بودند که به جهت نفوذ کشورهای استعمارگر در آن زمان تن به اعطای امتیازاتی در خصوص نفت دادند. الجزایر که از زمان حمله فرانسه در سال ۱۸۳۰ تحت نفوذ آن کشور بود، از جمله کشورهایی بود که از ازمنه قدیم، نشت نفت در شمال آن شناخته شده بود و حق استفاده از این معادن از سال ۱۸۷۷ به شرکت‌های فرانسوی و انگلیسی (ثبت شده در فرانسه) واگذار شده بود. منافع فرانسه در این کشور از طریق ۱۶ شرکت دولتی و خصوصی که در بخش بالادستی و خطوط انتقال نفت فعالیت می‌کردند تأمین می‌شد.<sup>۴</sup>

جنگ جهانی اول به جهت شکست و تجزیه امپراطوری عثمانی تأثیر قابل توجهی برکشورهای خاورمیانه داشت. سرزمین‌های تجزیه شده به جز ترکیه، یمن و عربستان سعودی که کشوری مستقل تشکیل دادند بین فرانسه و انگلیس تقسیم شد. سوریه و لبنان تحت قیومیت فرانسه واقع شد و عراق، اردن و فلسطین تحت قیومیت انگلیس. اما در خصوص نفت، دولت انگلیس که نفوذ فوق العاده‌ای در ایران داشت و عملاً قوه حاکمه عراق و قیم کویت بود، با تمام قوا از شرکت انگلیو-پرشین که صاحب امتیاز نفت در این کشورها بود، حمایت می‌کرد. دولت فرانسه هم اقدام به تأسیس شرکت فرانسوی نفت (Compagnie Française des Pétroles (CFP) نمود. این شرکت در سال ۱۹۲۴ به ابتکار دولت و با سرمایه بخش خصوصی تشکیل شد.

دولت آمریکا هم با شعار درهای باز (Open doors) وارد معركه شد تا با رفتاری مشابه دو دولت سابق‌الذکر منافع شرکت‌های آمریکایی را تأمین نماید. تلاش‌های دیپلماتیک این کشور در پاسخ به ترس از کمبود سوخت و پیش‌بینی استفاده فرانسه و انگلیس از این حربه شروع شده بود. قانون سال ۱۹۲۰ آمریکا هم که امکان سرمایه‌گذاری خارجیان در منابع نفت و گاز را منوط به رفتار متقابل کشور متبوع شرکت متقاضی با شرکت‌های آمریکایی نموده بود حرکتی در این راستا بود.

## ۱۸ □ حقوق قراردادهای بین‌المللی نفت

نفت بین‌المللی آورده‌گاه رقابت منافع انگلیس، فرانسه و امریکا بود. قبل از جنگ جهانی اول فرانسه و آلمان به توافق رسیدند تا منافع دو شرکت رقیب فرانسوی و آلمانی در عراق را در شرکت ترکیه‌ای نفت (TPC) Turkish Petroleum Company ادغام نمایند. این شرکت توسط یک تاجر آمریکایی به نام کالوست گولبنکاین Calouste Gulbenkian که مقیم استانبول بود تشکیل شد که به جهت دریافت سهم پنج درصدی به‌واسطه ایجاد سازش بین این دو رقیب قدیمی به مرد پنج درصدی معروف شد.

بعداز جنگ، فرانسوی‌ها سهم طرف آلمانی را خریداری نمودند و عملاً سهمی برای شرکت‌های آمریکایی باقی نگذارند. ترتیبات بعد از جنگ، فرانسوی‌ها را از ایران، کویت و سایر کشورهای حوزه خلیج فارس که تحت‌الحمایه انگلیس بودند، حذف نمود. آمریکایی‌ها اعتبار امتیاز اعطای شده به شرکت ترکیه‌ای نفت در عراق را زیر سوال برند و در سال ۱۹۲۸ دعوای بین آمریکا و فرانسه منجر به تشکیل شرکت نفت عراق شد. هر کدام از شرکت‌های آنگلو-پرشین، شل، شرکت فرانسوی نفت و گروه شرکت‌های آمریکایی به رهبری استاندارد اویل نیوجرسی Standard Oil of New Jersey (۲۳.۷۵ درصد در شرکت جدیدتأسیس سهم داشتند و پنج درصد باقی مانده هم سهم گولبنکاین پنج درصدی معروف شد. این توافق‌نامه بسیار حائز اهمیت بود زیرا این شرکت هاتوافق نمودند که در حوزه امپراتوری عثمانی سابق به رقابت در جهت گرفتن امتیازات جدید نپردازنند. این توافق‌نامه به "توافقنامه خط قرمز" (Red Line agreement) معروف شد.

بنابراین نه تنها سرمایه‌گذاران خارجی و شرکت‌های نفتی در مورد نفت عراق تعیین تکلیف نمودند، بلکه کارتلی (Cartel) برای استخراج نفت در سایر کشورهای عربی به وجود آورند. کارتل شرکت‌های بین‌المللی نفت تبدیل به اصلی‌ترین صاحب امتیازهای نفتی در کشورهای بحرین، ابوظبی، یمن، عمان، قطر و تمام کشورهایی که به صورت رسمی یا غیر رسمی تحت نفوذ انگلیس بودند، گردید.<sup>۵</sup> همچنین انگلیس اصرار داشت که حکمرانان این کشورها فقط به شرکت‌های تحت حاکمیت انگلیس امتیاز اکتشاف و استخراج نفت بدهند؛ تا وقتی که نفوذ آمریکا منجر به آن شد که این شرط در سال ۱۹۳۰ لغو شود.

در سال ۱۹۳۰ نقشه جهانی امتیازها، شبکه‌ای از منافع شرکت‌های چند ملیتی را نشان می‌داد که بر صنعت نفت متمرکز شده بود. رقابت بین کشورهای تولید کننده نفت فقط از طریق

## تاریخچه قراردادهای بین‌المللی نفت در بخش بالادستی ۱۹

شرکت‌های بین‌المللی نفتی امکان‌پذیر بود. این وضعیت منجر به آن شد که تا مدت‌ها کنترل بازار نفت و قیمت آن در اختیار شرکت‌های بین‌المللی نفت باقی بماند. برای جلوگیری از افول قیمت به جهت تولید مازاد بر نیاز بازار، مطابق توافق حاصله بین این شرکت‌ها، بازارهای مصرف بین آن‌ها تقسیم شده بود و آن‌ها مانع از آن می‌شدند تا قیمت نفت در بازار و بر اساس رقابت تعیین شود. این وضعیت تا زمان تشکیل اپک (OPEC) ادامه داشت. همچنین این شرکت‌ها توافقنامه‌های طولانی مدت برای فروش مقادیر بسیار زیادی از نفت منعقد می‌ساختند که قیمت آن ثابت بود و بنابراین حجم سرمایه‌گذاری در افزایش ظرفیت تولید را تعیین می‌کردند. به موازات افزایش اهمیت نفت در اقتصاد کشورهای تولید کننده؛ این عمل شرکت‌های چند ملیتی به معنای تأثیر آن‌ها در تعیین رشد اقتصادی و بودجه ریزی دولت میزبان بود؛ زیرا اگرچه دولت میزبان می‌توانست در خصوص میزان تولید و سرمایه‌گذاری در برخی موارد نظر بدهد اما حق تصمیم‌گیری در خصوص قیمت و میزان تولید را نداشت. در واقع تمام امور مربوط به نفت در دنیا توسط کارتل هفت خواهران [۱] تدبیر می‌شد.<sup>۶</sup>

### ۱-۱. تغییر در شرایط قراردادهای امتیازی

شرایط یکسویه‌ای که در قراردادهای امتیازی به نفع شرکت‌های بین‌المللی نفت درج شده بود، نخستین بار در آمریکای لاتین مورد مناقشه قرار گرفت. مکزیک در سال ۱۹۳۸ بیشتر داراییهای شرکت‌های خارجی را مصادره نمود و صنعت نفت را ملی اعلام کرد. ونزوئلا اندکی آرام‌تر اقدام نمود و شرایط قراردادهای نفتی را از سال ۱۹۴۲ با حمایت دولت آمریکا، مجددًا مورد مذاکره قرار داد. شرایطی که در نتیجه این مذاکرات به نفع ونزوئلا تغییر کرد، توقع کشورهای میزبان را بالا برد. این کشور در گام نخست با تصویب قانون منابع هیدرورکبری ۱۹۴۳ مجددًا بر مالکیت دولت بر منابع زیرزمینی تأکید کرد، اما مقرر نموده بود که امکان واگذاری امتیازهای جدید به شرکت‌های بین‌المللی وجود دارد. در حالی که در سال‌های ۱۹۱۰ تا ۱۹۴۲ مطابق قانون معادن این کشور، فقط اتباع ونزوئلا امکان اخذ امتیاز را داشتند و از طریق آن‌ها شرکت‌های بین‌المللی می‌توانستند معدن را اجاره نمایند. دو مبنی مسئله‌ای که در این قانون مورد توجه واقع شده بود و اهمیت بیشتری برای کشورهای خاورمیانه ای تولید کننده نفت داشت، اجازه تجدید قراردادهای قدیمی امتیاز برای مدت ۴۰ سال دیگر در عوض افزایش ۱۶